



نگاهی به ابعاد و انگیزه‌های جوان‌گرایی در دولت سیزدهم

# فصل جدید گردش نخبگان

■ ایلیا داوودی

روزنامه‌نگار

دو الزام اساسی پیش روی عبور موفق از مرحله دولت‌سازی وجود دارد. مسأله اول، طراحی نظامات اداره جامعه براساس مبانی و اصول است و مسأله دوم تربیت کادر و کارگزار کارآمد است. در شرایط امروز ایران، نخبگان سیاسی بیش از هر گروه دیگری در کارآمدسازی نظام و پیشرفت در شاخص‌های توسعه تأثیرگذار تعیین کننده‌اند. نوع عمل نخبگان در این برهه تاریخی می‌تواند تأثیرات بسیار مثبت یا بسیار منفی بر روند توسعه در ایران بگذارد. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین مسائل امروز ایران، طراحی و تدوین الگوی پرورش نخبگان سیاسی و حکومتی از میان نسل‌های جوان، دانشگاهی و حوزوی کشور است. با وجود گذشت چند دهه از استقرار نظام سیاسی جمهوری اسلامی، بررسی اساسنامه و مرامنامه و همچنین روند شکل‌گیری تشکله‌ها و احزاب مهمی چون مؤتلفه اسلامی، کارگزاران سازندگی، جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز، جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی، جبهه مشارکت ایران اسلامی و حزب اسلامی کار نشان می‌دهد که هیچ گونه نشانی از برنامه‌ریزی هدفمند قابل توجه در خصوص کم و کیف تربیت نخبگان سیاسی و آماده‌سازی آنان برای برعهده گرفتن مسئولیت‌های سیاسی و اجرایی آینده کشور وجود ندارد. موارد نام برده از آن جهت مورد اشاره قرار گرفته‌اند که عمدتاً جریان‌های فکری منتسب به آنها همواره در نقد عدم نهادسازی و عدم تحزب گفته و نوشته‌اند. تازه‌ترین نمونه این تحلیل‌ها تهی خواندن دولت در ایران از کادر است که به زعم مدعیان گزاره، دولت سیزدهم مصداق این موضوع است! در این نوشتار به بررسی این ادعا و دلایل نادرستی آن پرداخته خواهد شد.

## مفهوم کادرسازی و الزامات آن

منظور از کادر، کارگزاران حکومت هستند که صلاحیت‌های نظری و عملی برای کسب مسئولیت در مناصب حاکمیت را دارند. در ادبیات رایج، نزدیک‌ترین مفهوم به کادر و کارگزار، مفهوم نخبگان سیاسی است. نخبگان سیاسی به‌عنوان بخش اصلی قدرت حاکم‌اند که رفتار سیاسی آنان حوزه وسیعی از جامعه را تحت مدیریت خویش درمی‌آورد. هر نظام سیاسی تلاش می‌کند کارگزاران و نخبگان سیاسی خود را بر مبنای چهارچوب‌های نظری و مطلوب‌های علمی و عینی خود شناسایی و پرورش دهد. توجه به مقوله پرورش نخبگان یا کادرسازی از آن رو برای بسیاری از حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی مهم است که این افراد تأثیرگذارترین افراد در فرایند تصمیم‌گیری دولت‌ها به شمار می‌روند و سعادت مادی و معنوی را برای مردم رقم می‌زنند. مفهوم نخیه پروری نیز عبارت است از یک برنامه یا فرایند چند مرحله‌ای که طی آن افرادی از میان نخبگان شناسایی می‌شوند و بر اساس سوابق، تجربیات، توانمندی و شایستگی‌ها در فعالیت‌های سیاسی و تشکیلاتی پرورش می‌یابند تا بتوانند در مناصب مختلف اجرایی و سیاستگذاری نظام حکمرانی ایفای نقش کنند. لذا هدف نخیه پروری، کادرسازی برای حکومت است و به‌عنوان یک سیاست در پی پروراندن و تربیت کردن رجال گزینش شده برای تصدی مسئولیت‌های مدیریتی و تصمیم‌سازی کشور است. محیط تربیتی مناسب برای کادرسازی بایستی در گام اول، بیشترین اشرف را نسبت به کلیت مسائل حکمرانی ایجاد کرده و در عین نمایش مسائل و مشکلات، بتواند ظرافت‌های عملیاتی و محدودیت‌های اجرایی را نیز به نمایش بگذارد. تفاوت جدی یک کادر با پژوهشگر حوزه سیاستگذاری این است که کادر

حکومت علاوه‌بر اشرف عمومی بر اهم مسائل سیاستگذاری، درک صحیحی از محدودیت‌های اجرایی میدان عمل دولت دارد. این امر آنقدر اهمیت دارد که می‌تواند مراحل سیاستگذاری را دستخوش تغییرات جدی نماید. از جمله پیش نیازهای محیط تربیتی مناسب برای کادرسازی، مسأله ارتباطات مستمر است. تربیت اساساً در بستر زمانی بلندمدت شکل گرفته و در ارتباط مداوم فرد با محیط و کسب تجربیات جدید، رقم می‌خورد. فرایند یادگیری امری انباشتی بوده و بهترین مدل یادگیری آموختن و تجربه کردن توأمان است. توأمان بودن یادگیری‌های نظری در کنار تجربیات نظری، ظرفیت‌های ذهنی و وجودی افراد را توسعه داده و زمینه‌ساز مناسبی برای ساخته شدن فراهم می‌کند. ایجاد یک ساخت پایدار تربیتی در ذهن و شاکله وجودی افراد و رسوخ ارزش‌های هر نظام سیاسی، امری بلندمدت و نیازمند استمرار است.

## جوان‌گرایی دولت سیزدهم؛ در مسیر کادرسازی

یکی از روندهایی که با روی کار آمدن دولت سیزدهم بسیار مورد توجه منتقدان قرار گرفته، آن است که برخی رسانه‌ها و فعالان سیاسی با ارائه روایت‌هایی به تصویرسازی از دولت کنونی برای افکار عمومی بیردازند و سعی داشته باشند برساخته‌هایی غیرواقعی و مطابق با دیدگاه و منافع خود ارائه دهند. روندهای رسانه‌ای علیه رئیس جمهور کنونی از انتخابات ۹۶ با طرح مباحثی علیه آیت‌الله رئیسی که در آن زمان نامزد انتخابات بود، آغاز شده بود. با روی کار آمدن دولت دوازدهم این روند کم‌رنگ شد تا اینکه در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ دوباره برجسته شد. این بار برخی نامزدها با طرح مباحثی غیراخلاقی و غیرواقعی سعی کردند از محبوبیت آیت‌الله رئیسی نزد طرفدارانش بکاهند و آرای

قشر خاکستری را که قصد داشتند به وی رأی دهند، دفع کنند. با روی کارآمدن دولت سیزدهم این هجمه‌ها شکل دیگری به خود گرفت و علیه ماهیت دولت کنونی و مدیران آن تنظیم شد. این روند را می‌توان ذیل عنوان «دولت هراسی» تفسیر کرد. پیش برندگان این روند در ابتدای فعالیت دولت به مسائلی همچون تحلیل قوام و انسجام دولت براساس مشارکت‌کنندگان در انتخابات می‌پرداخت و با آغاز به کار کابینه و فرایندهای مربوط به رأی اعتماد، سوی هجمه خود را به سمت چپ‌نشین کابینه و اعضای آن هدف گرفت. اکنون نیز در حالی که هنوز تازه یک سال از آغاز به کار دولت گذشته، عده‌ای با تحلیل‌های کلی، غیردقیق و گمراه کننده سعی دارند قضاوتی کلی درباره دولت را ترتیب دهند. تازه‌ترین این تحلیل‌ها تحلیلی است که با اشاره به ساخت کلی دولت در ایران، دولت کنونی را در امتداد دولت‌های قبلی خالی از کادر قلمداد می‌کند و از این طریق سعی دارد آن را بی‌هویت و ناکارآمد جلوه دهد. چنین تحلیل‌هایی اولاً نظریه‌های مرتبط با موضوع را به طور ناقص مورد استناد قرار می‌دهند و ثانیاً با توجه به آنکه مقطعی و نوسانی طرح می‌شوند (بخوانید در زمان روی کار آمدن دولت‌های رقیب!) شائبه سیاسی کاری و سیاست زدگی در آنها پررنگ است.

روشن است که جوانگرایی قطعاً به معنای واگذاری همه امور به جوانان نیست، اما به باور ناظران توجه به تجربه افراد موفق نیز نباید به معنای آن باشد که عرصه بر ورود جوان‌ها به مناصب جدید بسته باشد. ظرفیت‌سازی و کادرسازی در واگذاری مسئولیت‌ها از اولویت بالایی برخوردار است. بر این مبنا باید جوانان متخصص و توانمند را با برنامه‌ریزی، بتدریج وارد عرصه مدیریتی در سطوح مختلف کرد. رئیس جمهور نیز که

ویژه‌نامه



ایران

چهارشنبه  
۲ شهریور ۱۴۰۱